

Richard Strauss



ریشارت اشتراوس در شیکاگو



در ۳۱ مارس ۱۹۰۴، تیودور تامس، ویولن‌نواز، رهبر ارکستر، و تنظیم‌کننده ی آلمانی-آمریکایی، از ریشارت اشتراوس دعوت کرد تا ارکستر شیکاگو را در تالار مخصوص همین ارکستر رهبری کند. اشتراوس هم بی‌درنگ سه اثر خود را برای اجرا با این ارکستر برگزید: چنین گفت زرتشت، بذله‌کاری های تیل اوپلن‌اشپیگل، و مرگ و تناسخ. همان روز روزنامه‌ی شیکاگو تریبیون گزارشی از نخستین تمرین اشتراوس با این ارکستر تهیه کرد. در این گزارش که به قلم یکی از برجسته‌ترین روزنامه‌نگاران دوران، ویلیام هابرد نوشته شده است، آمده که اشتراوس به نیمه‌ی تمرین «چنین گفت زرتشت» که رسید، ناگهان دست بالا گرفت و همه را خاموش کرد و رو به ارکستر گفت: «آقایان (احتمالا همه‌ی اعضای ارکستر مرد بوده اند) از این‌که با چنین ارکستری دقیق و بی‌نقص کار می‌کنم و موسیقی خودم را دقیقا همان‌طور که مرادم بوده است، می‌شنوم، سراپا غرق شادی هستم.



ارکستر شما مثال بی‌نقصی است برای همه ارکسترها. واقعا که دست‌مریزاد به شما و این آقای که نهاد ارکستران را چنین با وسواس و راستی پرورش داده است، آقای که بیش از بیست سال اشتیاق آشنایی‌اش را داشته‌ام، جناب آقای تامس.»

اجرای این ارکستر به اول آوریل موهول شد و پس از نخستین اجرای عصرانه، باز هم هابرد در ستون خود نوشت: «این استاد گران‌قدر موسیقی نو، این بزرگ‌مرد نواهای شاعرانه که شعر را به نقش صدا درمی‌آورد، این گران‌سنگی که نقاشی‌ها را به صدا درمی‌آورد و صداها را نقش می‌زند، ریشارت اشتراوس بزرگ، دیروز عصر به صحن تماشاخانهی شهر گام نهاد و برای بیش از دو ساعت ۳۷۰۰ نفر را به جادوی هنر خویش بر جای می‌فکوب کرد تا خیره به دستانش زل بزنند و مکایات آهنگینش را به گوش بشنوند...»



ارکستر همچون موه در دستش ورز می‌دید و هیچ کار دشوارتری نمی‌شد از آن طلب کرد. هرچه رهبر می‌خواست، ارکستر به بی‌نظیرترین شکلی بدان عمل می‌کرد و دکتر اشتراوس هم از کار مردانش به‌غایت به شگف آمده بود.»

همسر اشتراوس، پائولین هم در نقش تک‌فوان سوپرانو چند قطعه از ترانه‌های استاد بزرگ را تک‌فوانی کرد. وقتی بنا بود تا پائولین بر صحن اجرا گام بگذارد، همسرش و آقای تامس او را همراهی کردند و بر صحن آوردند. هابرد درباره‌ی آواز او نیز با مهر یاد می‌کند، اما چشم بر کاستی‌هایش هم نمی‌بندد و اشاره می‌کند که در رژیسترهای میانه‌ی بالا، غنای صدای خانم اشتراوس از دست می‌رود،



اما در ممدودهی تفصیصی اش یعنی در نیمه‌ی پایینی بازه‌ی سوپرانو چنان شیرینی دل‌نشینی دارد و با چنان دقت و وسواسی خط خود را ادا می‌کند که کسی را امکان نقد نیست.

ریشارت اشتراوس بار دیگر در ۲۱ دسامبر ۱۹۲۱ به شیکاگو باز گشت تا دوباره چنین گفت زرتشت و مرگ و تناسخ را رهبری کند، اما این بار خواننده‌ی سوپرانوی دیگری به همراه برد و اجرایش هم به آن شکوه قبلی نبود.

